

گزارش

اوباما شرایط اضطراری علیه ایران را تمدید کرد

● مواضع اخیر آمریکایی‌ها در قبال ایران حکایت همان ضرب‌المثل «یک بام و دو هوا» است. از یک‌سو می‌گویند شعار «مرگ بر آمریکا» تأثیری در مواضع‌شان ندارد و با ایران در حوزه منطقه به طور سازنده همکاری خواهند کرد و از سوی دیگر، مثل هر سال وضعیت اضطراری علیه ایران را تمدید می‌کنند. از یک طرف می‌گویند بانک‌ها برای معامله با ایران به سنجش بیش از حد نیاز ندارند و از طرف دیگر، به دلیل پرواز آزادانه هواپیمایی ماهان در اروپا ابراز نگرانی می‌کنند. هر یک از مقامات آمریکا در روزهای اخیر اظهارنظر یا اقدامی کرده که با دیگری همخوانی ندارد. باراک اوباما، رئیس‌جمهور این کشور، روز پنجشنبه در نامه‌ای به کنگره ضمن تأکید بر اینکه روابط آمریکا و ایران به حالت عادی بازنگشته است، وضعیت اضطراری ملی آمریکا علیه ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد. شرایط اضطراری پایه و اساس بیشتر تحریم‌های آمریکا علیه دیگر کشورهاست و آمریکایی‌ها با استناد به آن (این اضطرار بعد از فرمان‌های اجرایی کارتر در سال‌های ۷۹ و ۸۱ میلادی ایجاد شد) اختیارات غیرمعمول بسیاری همچون ضبط اموال، احضار اعضای گارد ملی و استخدام و اخراج افسرهای نظامی را در اختیار رئیس‌جمهور قرار می‌دهند. دولت آمریکا روابط با ایران را برای یک سال دیگر مشمول این شرایط دانسته و نمایندگان این کشور نیز در کنگره می‌کشند قانون تحریم‌های علیه ایران را برای ۱۰ سال دیگر تمدید کنند. براساس گزارش روزنامه آمریکایی «واشنگتن‌پست»، آنها اواخر همین ماه و زمانی که کنگره تشکیل جلسه دهند، این موضوع را در دستور کار قرار می‌دهند. قانون تحریم‌های علیه ایران در پایان سال جاری میلادی منقضی می‌شود و نمایندگان در کنگره معتقدند تمدید آن برای مانعت از سرپیچی ایران از مفاد برجام ضروری است. آن‌طور که واشنگتن‌پست نوشته است، اصرار نمایندگان در کنگره برای تجدید و احتمالا تشدید تحریم‌های علیه ایران، کاخ سفید را نگران کرده که ایران، این موضوع را سرپیچی آمریکا از برجام تلقی کند و دوباره سایت‌های هسته‌ای خود را راه اندازد. احتمالا به دلیل همین نگرانی است که مارک تونر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، بعد از ۱۳ آبان و تکرار شعار «مرگ بر آمریکا» از سوی ایران، تأکید کرد آنها این شعار را فقط اظهارات سیاسی و احساسی می‌دانند و (این مانع همکاری ایران و آمریکا نخواهد بود. او با اشاره به اینکه به این شعارها واکنش نشان نمی‌دهند، گفته بود روابطشان با ایران را براساس شعارهای احساسی پیش نمی‌برد و معتقد هستند سیاست رسمی ایران «مرگ بر آمریکا» نیست. تونر درعین‌حال با تأکید بر اینکه به نظارت دقیق بر رفتار منفی و مخرب ایران در منطقه در رابطه با یمن و سوریه ادامه می‌دهند و از این بابت نگران هستند، گفته بود: «تا جایی که بتوانیم با ایران به طور سازنده در مسائل منطقه همکاری خواهیم کرد ولی به این مسئله نیز توجه داریم که رفتار ایران تغییری نکرده است». این موضع‌گیری وزارت خارجه آمریکا در حالی است که متفقدان دولت در آمریکا، اوباما را مسبب اشتباهی تحت عنوان برجام که ایران را در منطقه قدرتمندتر کرده است؛ می‌دانند. جمهوری‌خواهان که تصور می‌کنند ایران بعد از برجام نسبت به قبل در خاورمیانه و برای اسرائیل تهدید قوی‌تری است؛ می‌کوشند تا محدودیت‌های ایران در حوزه‌های انرژی، بانکداری، هسته‌ای و امنیتی و دفاعی ادامه داشته باشد و به‌همین‌دلیل است که آزمایشات موشک‌های بالستیک را که بعد از برجام انجام شد برای تمدید ۱۰ساله تحریم‌ها بهانه کرده‌اند. مخالفان توافق هسته‌ای که از پرداخت بدهی ۱٫۷ میلیارد دلاری واشگتن به تهران نیز عصبانی هستند، می‌خواهند با تمدید قانون مذکور از اختیارات رئیس‌جمهوری برای شروع توافقات مالی با ایران بکاهند. نگرانی آنها از معاملات بیشتر می‌تواند ناشی از اظهارات هفته قبل جان کری، وزیر خارجه این کشور، باشد. او دوشنبه گذشته گفته بود که «بانک‌ها می‌توانند با ایران وارد معامله شوند، بدون اینکه نیازی به سنجش بیش از حد باشد و همان سنجش در حد معمول فعالیت می‌کند». اظهارات کری در حالی بود که اکنون چندین ماه از لغو تحریم‌های ضدایرانی به موجب برجام می‌گذرد اما هنوز بانک‌های بزرگ خارجی از نقض محدودیت‌های آمریکا و جریمه‌شدن می‌ترسند و با ایران کار نمی‌کنند. جان کری، سخنگوی وزارت خارجه این کشور، نیز بر باقی‌بودن تحریم‌های واشگتن علیه هواپیمایی ماهان تأکید کرده و گفته بود آنها از پرواز آزادانه هواپیمایی ماهان در پایتخت‌های اروپایی نگران هستند. به‌این‌ترتیب شاهدیم مقامات آمریکایی در روزها و هفته‌های اخیر مواضع ضدونقیضی در برابر ایران داشته‌اند و رسانه‌های آمریکایی نیز به این امر توجه خاص دارند. برای مثال، نشریه آمریکایی «ویکی‌استاندارد» در گزارشی نوشته است که «دولت اوباما در انجام معاملات با ایران راه خود را از جان کری جدا کرده است». این نشریه بیانیه وزرات خارجه آمریکا را مبنی بر اینکه «شرکت‌هایی که با ایران وارد معامله می‌شوند تحت تحریم‌های آمریکا قرار خواهند گرفت» یا اظهارات هفته قبل کری در توافقی دانسته و از قول «مارک کرک»، رئیس کمیته فارغی بانکداری سنا، نوشته بود: «این غیرمسلوانه است که کری سعی می‌کند با دولت ایران همچون یک دولت عادی و غیرتورپست رفتار کند حتی زمانی که خود وزارت خارجه آمریکا همچنان ایران را به عنوان بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان معرفی می‌کند».

آزاده بابایی‌نژاد، نمایندگان مجلس لبنان پنجشنبه گذشته با انتخاب «میشل عون»، ژنرال ۸۱ساله، برای تصدی پست ریاست‌جمهوری، به دو سال‌ونیم خلا سیاسی این کشور پایان دادند. این طولانی‌ترین خلا قدرت در لبنان پس از پایان جنگ داخلی این کشور در دهه ۹۰ میلادی به شمار می‌آید. با انتخاب عون، وی بلافاصله سعد حریری را مأمور تشکیل کابینه جدید کرد. آگاهان سیاسی، از انتخاب عون و حریری، به‌عنوان فصل تازه‌ای در روند سیاسی لبنان و نیز منطقه پرتنش خاورمیانه یاد می‌کنند. دوران نخست‌وزیری سعد حریری در شرایطی آغاز می‌شود که چالش‌های جدی داخلی و خارجی‌ای فراوری او و کابینه‌اش قرار دارد. مشکلات اجتماعی و اقتصادی حاصله از دو سال‌ونیم خلا قدرت در این کشور، فضای اقتصاد و سیاست را رنجور و ضعیف کرده که حریری در اولین سخنرانی پس از انتخابش، از عزم کابینه جدید برای مدین روح تازه در اقتصاد این کشور خبر داد.

شش سال از درگیری‌ها در سوریه گذشته و این مسئله مهم‌ترین بحران خاورمیانه به حساب می‌آید. مقامات کشورمان بارها اعلام کرده‌اند که این مسئله نمی‌تواند یک راه‌حل غیرسیاسی داشته باشد و دیگر بازیگران بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای نیز می‌دانند که مذاکرات مربوطه بدون حضور ایران به جایی نخواهد رسید؛ بازیگرانی که می‌توان آنها را به دو گروه حامیان و مخالفان بیشار اسد تقسیم کرد. حمایت ایران از اسد موضوع پنهانی نیست و به‌صراحت از سوی مقامات ایرانی اعلام شده است. با این نگاه بهترین فرد برای گفت‌وگو درباره بحران سوریه شخص «بشار اسد» است و فصل‌نامه مطالعات سیاست خارجی در نخستین شماره خود به سراغ رئیس‌جمهوری سوریه رفته و بـا او گفت‌وگو کرده است. خلاصه این گفت‌وگو به شرح زیر است.

ک آمریکایی‌ها همه راهکارهای نظامی و توانمندی‌های دیپلماتیک خود را به کار گرفته‌اند. مجموعه‌ای به نام «دوستان سوریه» تشکیل داده و همه هم‌پیمانان خود را در منطقه برای سرنگونی نظام سوریه بسیج کردند؛ باین‌حال سوریه با یک راهبر مشخص در برابر همه تهدیدات ایستادگی کرده و راهبرد آمریکا را به چالش کشیده است. امروز اوباما کاخ سفید را ترک می‌کند؛ درحالی‌که به اهداف تعیین‌شده در سوریه دست نیافته‌اند. لطفا درباره ابعاد و ویژگی راهبرد سوریه برای مقابله با تهدیدات خارجی توضیح دهید.

اولا موضع آمریکا به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مبتنی بر سلطه بر کشورهای جهان است. ظهور بازیگران جدید و تغییر توازن در قدرت جهانی، چیزی است که آمریکا با آن مخالف است. طبیعی است حمله به کشورهای مختلف این طرح، یکی از ابزارهای پروژه آمریکاست. این همان روشی است که از سال ۲۰۰۳ نسبت به پرونده هسته‌ای ایران پیش گرفتند و امروز نیز درباره سوریه جریان دارد. آنها علاوه بر ابزار تروریسم، ابزارهای عملیات روانی و اقتصاد و… نیز دارند. تصویری که در آغاز این جنگ روانی و رسانه‌ای ارائه داده‌اند، این بود که مشکل اصلی در سوریه، شخص رئیس‌جمهوری است و در نتیجه اعلام کردند که رئیس‌جمهوری یک فرد است و نمی‌تواند بیش از کشور اهمیت داشته باشد که البته این حرف درست است. آنها همچنین تلاش می‌کنند که دولت سوریه را دومین دست نیافته‌اند و بر ضرورت تغییر نظام سیاسی پافشاری کنند. این در حالی است که آنها در رویکردهای رسانه‌ای خود، از هدف اصلی خود که ازبین‌بردن کشور است، سخنی به میان نمی‌آورند. در نبرد با دشمن، اولین چیزی که به ما یاری می‌رساند، ایمان به خداست؛ ولی علاوه‌برآن لازم است به ملت و توانمندی‌های ملی نیز باور و اعتماد داشت. در مقابله با رویکرد تبلیغی دشمن، توجهی به سرفصل‌های مطرح‌شده نکرده و در آن غرق نشدیم. می‌دانستیم که نبرد اصلی علیه کشور است؛ بنابراین بر انجام گفت‌وگو در داخل سوریه تمرکز کردیم تا آن عده از هم‌وطنان که تصویر روشنی در رویارویی با دشمن نداشتند، به حقیقت مسلط آگاه شوند.

ک مؤلفه‌های راهبرد سوریه برای هم‌اوردی با دشمنان در این جبهه گسترده چیست؟ اولین اصل در هر جنگی، آگاهی مردم است؛ بنابراین گفت‌وگوهای سوری- سوری را شروع کردیم. مسئله دوم که در همین سطح از اهمیت می‌توان از آن نام برد، توطئه، اشغالگری و مقاومت‌های فراوانی را تجربه کرده است؛ اما درباره شاخص‌های رضایتمندی آمریدقی وجود ندارد؛ ولی چنانچه رضایتمندی مردمی از دولت، به‌ویژه از رویکرد ملی و سیاسی آن وجود نداشت، حتما دولت پنج سال دوام نمی‌آورد. مردم سوریه چگونه حمایت خود از دولت را به منصفه ظهور رسانده است؟

اولا با پایداری اقتصادی، شاخص عینی‌تری نیز وجود دارد. درص مشارکت مردم در انتخابات اسنال مجلس و می‌کنند. شاخص‌های مقبولیت نظام در بین مردم چیست؟ و به چه دلیل مردم با وجود مشکلات فراوان و پیامدهای زیان‌بار از این جنگ پشتیبانی می‌کنند؟ یکی از دلایل این هوشیاری و آگاهی، به تجربه تاریخی‌ما در این منطقه برمی‌گردد. منطقه ما و شما، توطئه، اشغالگری و مقاومت‌های فراوانی را تجربه کرده است؛ اما درباره شاخص‌های رضایتمندی آمریدقی وجود ندارد؛ ولی چنانچه رضایتمندی مردمی از دولت، به‌ویژه از رویکرد ملی و سیاسی آن وجود نداشت، حتما دولت پنج سال دوام نمی‌آورد. مردم سوریه چگونه حمایت خود از دولت را به منصفه ظهور رسانده است؟

آزاده بابایی‌نژاد، نمایندگان مجلس لبنان پنجشنبه گذشته با انتخاب «میشل عون»، ژنرال ۸۱ساله، برای تصدی پست ریاست‌جمهوری، به دو سال‌ونیم خلا سیاسی این کشور پایان دادند. این طولانی‌ترین خلا قدرت در لبنان پس از پایان جنگ داخلی این کشور در دهه ۹۰ میلادی به شمار می‌آید. با انتخاب عون، وی بلافاصله سعد حریری را مأمور تشکیل کابینه جدید کرد. آگاهان سیاسی، از انتخاب عون و حریری، به‌عنوان فصل تازه‌ای در روند سیاسی لبنان و نیز منطقه پرتنش خاورمیانه یاد می‌کنند. دوران نخست‌وزیری سعد حریری در شرایطی آغاز می‌شود که چالش‌های جدی داخلی و خارجی‌ای فراوری او و کابینه‌اش قرار دارد. مشکلات اجتماعی و اقتصادی حاصله از دو سال‌ونیم خلا قدرت در این کشور، فضای اقتصاد و سیاست را رنجور و ضعیف کرده که حریری در اولین سخنرانی پس از انتخابش، از عزم کابینه جدید برای مدین روح تازه در اقتصاد این کشور خبر داد.

شش سال از درگیری‌ها در سوریه گذشته و این مسئله مهم‌ترین بحران خاورمیانه به حساب می‌آید. مقامات کشورمان بارها اعلام کرده‌اند که این مسئله نمی‌تواند یک راه‌حل غیرسیاسی داشته باشد و دیگر بازیگران بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای نیز می‌دانند که مذاکرات مربوطه بدون حضور ایران به جایی نخواهد رسید؛ بازیگرانی که می‌توان آنها را به دو گروه حامیان و مخالفان بیشار اسد تقسیم کرد. حمایت ایران از اسد موضوع پنهانی نیست و به‌صراحت از سوی مقامات ایرانی اعلام شده است. با این نگاه بهترین فرد برای گفت‌وگو درباره بحران سوریه شخص «بشار اسد» است و فصل‌نامه مطالعات سیاست خارجی در نخستین شماره خود به سراغ رئیس‌جمهوری سوریه رفته و بـا او گفت‌وگو کرده است. خلاصه این گفت‌وگو به شرح زیر است.

انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۴، از زمان استقلال در تاریخ سوریه بی‌سابقه بوده است. **ک** آیا می‌توان ادعا کرد که مواضع ضد سوریه آمریکا به رویکردهای سیاست خارجی سوریه مربوط است و ارتباطی با نارسایی‌های داخلی سوریه نداشته است؟ اگر مشکل آنها مسائل داخلی و حقوق ملت‌ها بود، چرا مثلا ضد سعودی‌ها موج آفرینی نمی‌کنند؟ ما در هیچ زمینه‌ای اعم از سابقه تمدنی، فضای سیاسی و برخورداری از دموکراسی با عربستان مقایسه‌کردنی نیستیم؛ درحالی‌که ایران از مهم‌ترین کشورها در خاورمیانه در زمینه برخورداری از آزادی و دموکراسی است. چرا آمریکا در برابر آن مواضع خصمانه دارد و بقیه کشورها را رها کرده است. این یک مسئله سیاسی است. خواسته‌های غرب در سوریه متفاوت است. می‌خواهند این حکومت برود و حکومتی دست‌نشانده سرکار بایید تا سوریه را مانند لقمه چربی تقدیم غرب کنند. در آخرین مرحله (به‌ویژه در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱) مطالبه آنها از سوریه (که از طریق سارکوزی، رئیس‌جمهوری وقت فرانسه که از طرف جوری بوش ماموریت داشت، مطرح شد) این بود که رهبری ایران را برای موافقت با طرح غرب متقاعد کند تا ایران همه ذخایر اورانیوم غنی‌سازی‌شده خود را بدون هیچ‌گونه ضمانتی تحویل غربی‌ها دهد. این درخواست آنان بود که ما درخواست آنان را رد کردیم، چراکه مطالبه‌ای غیرمنطقی است. در مراحل قبلی نیز درخواست‌هایی مطرح می‌کردند. برای مثال، در سال ۲۰۰۲ از ما خواستند با طرح اولیه ملک فهد موافقت کنیم. زمانی که وی صلح در برابر عادی‌سازی روابط را بدون هیچ مابازایی مطرح کرد اما به‌طور مشخص قبل از شروع بحران، مشکل اساسی غرب، ایران بود و اساسا از سوریه خواسته شده بود به‌عنوان نزدیک‌ترین کشور به ایران، رهبران آن را به موافقت با مطالبات غرب متقاعد کند.

ک آیا می‌توانیم بگوییم چالش‌هایی که امروز سوریه با آن مواجه است، بهای مواضع این کشور در برابر غرب و آمریکاست؟ همین‌طور است؛ چراکه امروز آمریکا در حال عقب‌گرد است. واقع‌گرایی آمریکا دست‌کم از زمان بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸، در حال کاهش است. درحالی‌که به جای آن بلوک‌های جدیدی در حال اوج‌گیری و پیشرفت هستند و این سرازاف موازنه قوای جدید است. بنابراین اگر آمریکا بخواهد موازنه جدید را برهم زند، چاره‌ای ندارد جز اینکه به کشورهای مستقلی مانند ایران، سوریه، کره‌شمالی و هر کشور دیگری که به آمریکا نه بگوید، ضربه وارد کند.

ک آیا می‌توانیم بگوییم چالش‌هایی که امروز سوریه با آن مواجه است، بهای مواضع این کشور در برابر غرب و آمریکاست؟ همین‌طور است؛ چراکه امروز آمریکا در حال عقب‌گرد است. واقع‌گرایی آمریکا دست‌کم از زمان بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸، در حال کاهش است. درحالی‌که به جای آن بلوک‌های جدیدی در حال اوج‌گیری و پیشرفت هستند و این سرازاف موازنه قوای جدید است. بنابراین اگر آمریکا بخواهد موازنه جدید را برهم زند، چاره‌ای ندارد جز اینکه به کشورهای مستقلی مانند ایران، سوریه، کره‌شمالی و هر کشور دیگری که به آمریکا نه بگوید، ضربه وارد کند.

ک به نظر شما پیچیدگی و اهمیت سوریه در چیست که نگاه‌ها را به خود معطوف کرده و باعث شده تا قدرت‌های جهانی منافع خود را در این کشور جست‌وجو کنند؟ با اینکه سوریه در مقایسه با سایر کشورهای عربی، کوچک به شمار می‌رود و از لحاظ اقتصادی بزرگ و ثروتمند نیست، به دلایل تاریخی، سیاسی و اجتماعی این نقش مهم را ایفا کرده است. سوریه نقطه تماس گسل‌های زلزله در جهان عرب به شمار می‌آید زیرا بیش از هر کشور دیگر عربی، از تنوع فرقه‌ای، دینی و مذهبی برخوردار است. بنابراین بروز هرگونه خللی در این گسل‌ها، زمین‌لرزه‌ای بدید خواهد بود که نتایج و بازتاب‌ها و پس‌لرزه‌های آن به سایر کشورهای منطقه سرایت خواهد کرد. این یک بعد قضیه است. بعد دیگران، این است که سوریه در بیش از چهار با پنج دهه گذشته با موضع‌گیری‌های مستقل خود، متمایز از سایر کشورها نقش آفرینی کرده است؛ درحالی‌که اکثر کشورهای عربی با سیاست‌های غرب همراه شده و در

دیپلماسی

نگاه

سعد حریری و هژمون‌های خاورمیانه

سعد ۴۶ساله، فرزند رفیق حریری، نخست‌وزیر فقید لبنان، است که در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ بر اثر انفجار بر سر راه کاروان موتورشی در بیروت، کشته شد. تحقیقات درباره قتل وی همچنان ادامه دارد. چندی پیش، سعد حریری در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط، ضمن انتقاد از نقش پررنگ ایران در سوریه، اذعان کرد ایران آگاهانه به دامن‌زدن اختلافات داخلی گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی لبنان پرداخته و از انتخاب‌نشدن رئیس‌جمهور در این کشور، استقبال می‌کند؛ درواقع ایران می‌خواهد با بسط بی‌ثباتی و اختلاف، به هژمونی خاورمیانه تبدیل شود. او در این مصاحبه ضمن تمجید از نقش پررنگ و مؤثر ریاض در تحولات خاورمیانه، افزود: عربستان همیشه دنبال ایجاد صلح و ثبات در لبنان بوده و هست. به اعتقاد حریری، ایران می‌تواند بخشی از راه‌حل در خاورمیانه باشد؛ به‌شرطی که روابط خود را با ریاض، ترمیم کند. جنبش حزب‌الله لبنان، چالش دیگر حریری محسوب

بشار اسد:

نیازمند روابط راهبردی با ایران هستیم



برابر آنان تسلیم هستند. از سوی دیگر، همان‌طور که گفتیم، هدف ایالات متحده آمریکا تغییر حکومت در سوریه به‌منظور سرکارآوردن دولتی دست‌نشانده است. **ک** بسیار شنیده می‌شود که جنگ جاری در منطقه و سوریه به جنگ طایفه‌ای است، با این سخن موافق هستید؟

این سخن با واقعیت‌ها کاملاً منافات دارد؛ زیرا اگر این جنگ یک جنگ طایفه‌ای بود، باید از زمان ظهور طوایف در ۱۴ قرن پیش آغاز می‌شد و نه امروز. جنگ طایفه‌ای در منطقه ما چه زمانی پدید آمد؟ این تقابل هم‌زمان با پیروزی انقلاب ایران به‌وجود آمد. جریان وهابیت که از سوی عربستان سعودی مدیریت می‌شود، پس از پیروزی انقلاب ایران ماموریت داشت با آن مقابله کند. انقلابی که اکنون توجیه و آرمان‌های انقلابی مردم منطقه به حساب می‌آمد. کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا از توجه ملت‌ها به انقلاب ایران و الگوگیری از آن احساس هراس کردند. بنابراین به عربستان سعودی دستور دادند در چارچوب رقابت‌های مذهبی و فرقه‌ای گام بردارند. بنابراین موضوع تقابل مذهبی کاملاً با پیروزی انقلاب ایران ارتباط دارد و در همین چارچوب به آن دامن زدند و به‌عنوان یک ابزار در کنار ابزارهای دیگر در سوریه به کار گرفته شد. امروز وضعیت هم‌گرایی میان طوایف در سوریه بهتر از آنچه قبل از بحران -و ن‌تنها در آغاز بحران- وجود داشت، است. این بحران هوشیاری و آگاهی بیشتری را به‌وجود آورده است.

ک به نظر شما امکان منافع از دستبایی آمریکا و رژیم صهیونیستی به اهدافشان از رهگذر دامن‌زدن به بحران در منطقه وجود دارد؟ آری؛ وقتی اهمیت پندیش یکدیگر را بدانیم و آماده باشیم؛ در عین اختلاف، یکدیگر را در رسمیت بشناسیم. **ک** عربستان سعودی به بهانه‌هایی هر چند نادرست تاجوزه به خاک یمن را آغاز کرده و تاکنون به اهداف اعلام‌شده‌اش دست نیافته است. این کشور در کنار جنگ با یمن، در برابر اراده مردم بحرین نیز ایستاده است. همچنین بر ضد ایران فضاسازی کرده و وارد روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی شده است. به نظر شما این رفتارهای عربستان چه تأثیری بر مناسبات جهان اسلام و کشورهای عربی خواهد داشت؟

تأثیر چندانی ندارد. زیرا این تغییر واقعی نیست و یک تغییر ظاهری است. روابط عربستان با رژیم صهیونیستی تصاد میسان ترکیه و کردها باعث شکایت‌بردن ترکیه به آمریکا علیه کردها خواهد شد. کردها نیز به‌منظور برخورداری حمایت به سمت آمریکا خواهند رفت و از ترک‌ها شکایت خواهند کرد. اگر اختلافی میان کردها و عرب‌ها نیز وجود داشته باشد، هر دو ن‌زند آمریکا خواهند رفت. منطق آمریکا بر اصل اختلاف‌انداختن حکومت‌کردن، استوار است. هرچه بیشتر به اهداف میان مردم دامن بزنند، بهتر می‌توانند روی تضادها

زیر آمریکایی‌ها همواره سعی در پیچیده‌کردن اوضاع دارند؛ چراکه هرچه شرایط پیچیده‌تر شود، آنها بیشتر می‌توانند روی تضادهای موجود مانور بدهند. افزایش تضاد میان ترکیه و کردها باعث شکایت‌بردن ترکیه به آمریکا علیه کردها خواهد شد. کردها نیز به‌منظور برخورداری حمایت به سمت آمریکا خواهند رفت و از ترک‌ها شکایت خواهند کرد. اگر اختلافی میان کردها و عرب‌ها نیز وجود داشته باشد، هر دو ن‌زند آمریکا خواهند رفت. منطق آمریکا بر اصل اختلاف‌انداختن حکومت‌کردن، استوار است. هرچه بیشتر به اهداف میان مردم دامن بزنند، بهتر می‌توانند روی تضادها

زیر آمریکایی‌ها همواره سعی در پیچیده‌کردن اوضاع دارند؛ چراکه هرچه شرایط پیچیده‌تر شود، آنها بیشتر می‌توانند روی تضادهای موجود مانور بدهند. افزایش تضاد میان ترکیه و کردها باعث شکایت‌بردن ترکیه به آمریکا علیه کردها خواهد شد. کردها نیز به‌منظور برخورداری حمایت به سمت آمریکا خواهند رفت و از ترک‌ها شکایت خواهند کرد. اگر اختلافی میان کردها و عرب‌ها نیز وجود داشته باشد، هر دو ن‌زند آمریکا خواهند رفت. منطق آمریکا بر اصل اختلاف‌انداختن حکومت‌کردن، استوار است. هرچه بیشتر به اهداف میان مردم دامن بزنند، بهتر می‌توانند روی تضادها

می‌شود که می‌تواند بر سر عملکرد کابینه‌اش مانع‌تراشی کند؛ زیرا علاوه بر موضع حریری در قبال بحران سوریه و شخص اسد و حمایت از گروه‌هایی مانند جبهه النصره، حامی وی؛ یعنی عربستان، نام این جنبش را در فهرست گروه‌های تروریستی شورای همکاری خلیج‌فارس قرار داده. حمایت حریری از النصره و دیگر گروه‌های مخالف اسد، خشم حزب‌الله لبنان را در پی داشته است. حال این پرسش مطرح است که عون چگونه می‌تواند بین ائتلاف با حزب‌الله و مطالبات جریان المستقبل به رهبری حریری، توازن برقرارکند؟ گفتنی است سعد حریری ثمره ازدواج رفیق حریری با یک بانوی عراقی است؛ وی متولد ریاض و دارای سه فرزند است. مجله فوربس، ثروت او را در سال ۲۰۰۶، معادل چهار میلیارد دلار برآورد کرد و او را در رده ۱۵۸ ثروتمندترین‌های دنیا قرار داد. سعد حریری در دانشگاه جورج تاون تحصیل و دوتست صمیمی عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان، به شمار می‌آید.

سرمایه‌گذاری کنند، این همان چیزی است که در منطقه ما پی‌گیری می‌کنند. **ک** سال‌هاست که جناب‌عالی و سوریه هم‌پیمان ایران هستید؛ آیا این هم‌پیمانی از تفکر راهبردی شخص شما سرچشمه می‌گیرد یا مبرانی است که از سوی مرحوم حافظ اسد، رئیس‌جمهوری فقید سوریه برای شما به ارث گذاشته شده است؟

تردیدی نیست انسان چیزهایی را از پدرش می‌آموزد و حتی در دوران بزرگی تشخیص اینکه چه چیزی را از پدر آموخته‌ای، کار دشواری است. لزومی ندارد چیزی که فراگرفته‌اید، ایده خاصی باشد. چه‌سا روش اندیشیدن را از او فراگرفته باشید. ما در منزل پدری درباره مسائل سیاسی صحبت نمی‌کردیم. من حتی برای یک‌بار هم از پدرم درباره موضوعش در خصوص ایران (دهه ۸۰ میلادی در کنار ایران ایستاده بودیم) سؤال نکردم. بنابراین اگر منظور از اثرگذاری، تأثیر در نحوه اندیشیدن و نگاه‌های راهبردی کلان باشد، بر این باورم که این امری بدیهی است. البته نمی‌توانم همه ابعاد آن را به دقت ترسیم کنم، ولی قدر مسلم آن است که چنین تأثیری وجود داشته است، اما جنبه دیگری هم وجود دارد که مرتبط با دیدگاه‌های راهبردی من درباره وضعیت سوریه است. نمی‌توان درباره وضعیت سیاست در سوریه بدون توجه به نتایج تاریخی پیرونی سخن گفت. به‌ویژه کشورهایی که دارای بیشترین تأثیر در سوریه هستند. آیا ایران بر وضعیت سوریه اثرگذار است یا خیر؟ هنگامی که درباره مسئله فلسطین، لبنان و رابطه با غرب سخن می‌گویم و درحالی‌که سوریه از سوی غرب مورد هدف واقع شده است، آیا ایران به‌عنوان یک کشور می‌تواند بر تمامی این پرونده‌ها اثرگذار باشد؟ براین‌اساس ما در سوریه به روابط با ایران در سطح راهبردی نیازمندیم. اینکه این رابطه چگونه و تا چه سطحی باشد، اینها مربوط به جزئیات است. اما درمجموع می‌توان گفت ایران کشوری تأثیرگذار است؛ و بنابراین ما نیازمند رابطه با آن هستیم.

ک با توجه به رویکردهای جمهوری اسلامی ایران، شاهد آن هستیم که مقام معظم رهبری نظر و محبت ویژه‌ای نسبت به شخص جناب‌عالی دارند، این نظر را چگونه تفسیر می‌کنید و نظر شما نسبت به مقام معظم رهبری چیست؟

به‌لحاظ شخصی ارادت و محبت بزرگی میان من و ایشان وجود دارد. این اراده هیچ ارتباطی به مسائل سیاسی ندارد، بلکه ریشه در سرشت و منش شخصیتی ایشان دارد. تواضع، فروتنی و احترامی که از آن برخوردارند، باعث می‌شود که نسبت به ایشان علاقه پیدا کرده و با او روابط شخصی برقرار کنید، حتی اگر این رابطه خارج از چارچوب سیاست باشد. از سوی دیگر در چارچوب معادلات سیاسی، ایشان شخصیتی وفادار هستند. ایشان وفاداری ایران نسبت به مواضع سوریه را به نمایش گذاشته‌اند. سوریه از معدود کشورهایی است که در سال‌های دهه ۸۰ میلادی در کنار ایران ایستاده است. مردم ایران وفادارند و حضرت امام خامنه‌ای مستقیماً در موارد عیدیه‌ای این وفاداری را ابراز داشته‌اند. بحران‌های جاری نیز باعث استحکام و افزایش همبستگی و این نگاه راهبردی شده است. زیرا در مشکلات، وفاداری‌ها جلوه می‌کنند. از طرف دیگر ایشان یک شخصیت راهبردی بزرگ است. این بحران ثابت کرد که ایشان از آغاز مسائل راهبردی شده است. زیرا در مشکلات، وفاداری‌ها جلوه می‌دهند) با اینکه من در داخل سوریه زندگی می‌کنم و ایشان در جایی دیگر، ایشان داده‌ها و اطلاعات خود را از ارکان‌های دولت به دست می‌آورد و من اینجا در میان شهروندان زندگی می‌کنم. نمی‌توانم درباره ایشان مدیحه‌سرایی کنم زیرا روحیه ستایشگری ندارم. اما باید واقعیت‌ها را بگویم تا در تاریخ ثبت شود. ایشان حوادث را این‌گونه به‌روشنی می‌دید، از نظر شخصی و از منظر راهبردی، ایشان جایگاه بزرگی در سطح تاریخ منطقه برای خود احراز کرده‌اند.

ک در صورتی که پیامی برای نخبگان و جامعه ایرانی داشته باشید، از آن استقبال می‌کنیم.

برای من مهم است که در درجه اول مراتب درود و تشکر خود را بر مردم ایران ابراز دارم. چراکه هر تصمیم سی‌اس‌ای که رهبری یا دولت ایران، رئیس‌جمهور، جناب آقای روحانی و پیش از آن، رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد، در آغاز بحران اتخاذ کرده‌اند یا هر اقدامی را انجام داده‌اند، اعم از موضع‌گیری سیاسی یا اقدام اقتصادی یا حمایت نظامی به هر نحو که باشد؛ براینند توافق و اراده مردم ایران مبنی بر حمایت از سوریه است. مسئله دیگر، مشارکت مستقیم تمامی شهروندان ایران اعم از فقیر، متوسط و ثروتمند است که با امکانات خود به حمایت از سوریه در برابر تروریسم پرداخته‌اند.

روزنه

محمدجواد ظریف:

برجام حاصل یک بده‌بستان سیاسی است

● **ایرنا:** محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه یکشنبه (۹ آبان ۱۳۹۵) در جمع وایستگان نظامی و نمایندگان دفاعی و انتظامی کشور سخنرانی کرد که متن کامل آن روز پنجشنبه منتشر شد. بخش‌هایی از گفته‌های ظریف در ادامه می‌آید.
● امروز که حدود ۱۴ سال حمله آمریکا به عراق می‌گذرد، کماکان مشاهده می‌کنیم که هنوز از این باتلاق بیرون نیامده‌اند. در واقع، دولت آمریکا خیال می‌کرد پس از حمله به افغانستان، با یک حمله موفق به عراق می‌تواند آن شرایط را نهانید کند.
● به نظر، اینکه با وجود فشار صهیونیست‌ها و همه فشارهای لابی‌های آنها در آمریکا و با وجود آنکه شارون گفته بود بغداد آدرس غلط و آدرس درست تهران است، آمریکا به عراق حمله کرد، برای این بود که بتواند با به‌دست‌آوردن یک پیروزی نظامی دیگر، در محیطی فراتر از افغانستان فروپاشیده و علیه یک دولت مستقر، ثابت کند که نظم نوین آمریکایی شکل گرفته است. بنابراین انتخاب عراق به جای ایران به دلیل دشمنی بیشتر آنها با صدام حسین نبود، بلکه به دلیل تصور و توهم پیروزی آسان بر آن کشور بود؛ چون می‌دانستند نمی‌توانند پیروزی نظامی بر ایران به‌دست آورند و در مقابل اطمینان داشته‌ند که پیروزی بر عراق کاملاً در یک عملیات سریع ممکن است.

● امروز قدرت نظامی که هنوز هم عامل اصلی قدرت است و به همین دلیل همه ما مدیون بزرگوارانی هستیم که چه در داخل کشور و چه در جبهه‌ها و مدافعان حرم از جان خود برای امنیت ما مایه می‌گذارند، در کنار توان اقتصادی و در شرایط جهانی‌شدن ارتباطات و حتی جهانی‌شدن احساسات، قدرت تأثیرگذاری بر اذهان، قدرت اجماع‌سازی، قدرت ایجاد فکر، قدرت ایجاد بیش، قدرت آینده‌درازی و تصویرسازی از آینده موردنظر و نیاز شما، همه و همه مجموعه ابزار قدرت هستند که می‌توانند به یک کشور بسیار فراتر از شرایط گذشته، نقش و نفوذ و توان کاهش آسیب‌پذیری بدهند.

● دوران قدرقدرتی یک یا حتی چند قدرت به سر آمده و به همین دلیل می‌بینیم که امروز قدرت‌هایی همانند آمریکا و روسیه، حتی با همکاری هم‌دیگر نیز نمی‌توانند مشکلات بین‌المللی را حل کنند و نیاز به حضور و همکاری قدرت‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران دارند. این به دلیل شرایط ویژه‌ای است که دوران گذار برای کشورها ایجاد می‌کند.

● بنده ادعا نمی‌کنم مذاکرات هسته‌ای برای ایران قدرت آفرید. قدرت ایران قبل از مذاکرات وجود داشت و همان‌طور که گفتیم، موضوع هسته‌ای برای تخلیه قدرت ایران بود. بنابراین توافق هسته‌ای و برجام، قدرت ایران را دوباره رها کرد. خیلی‌ها در منطقه و جهان پس از وضع تحریم‌های شورای امنیت تصور کردند کار ایران تمام شد. چون سابقه را دیده بودند که هر کشوری که در ۲۰ سال گذشته پرونده‌اش به شورای امنیت رفته، سالم بیرون نیامده است.

● یک مشکلی که ما در ایران داریم این است که به نگاه و رویکرد دیگران به مذاکرات هسته‌ای و نتیجه آن خیلی توجه نمی‌کنیم. منطقه معتقد است مذاکرات هسته‌ای و برجام یک تحول راهبردی بود، نه اینکه برجام به معنای زانوزدن آمریکا در مقابل ایران است. من هیچ وقت چنین ادعایی را نکرده و نخواهم کرد. برجام حاصل یک بده‌بستان سیاسی است. اما برجام، ایران را از آنچه آنها فکر می‌کردند کارش تمام شد، مجدداً به همان قدرت استراتژیک گذشته بازگرداند.

● سعودی‌ها قبلاً هم تلاش مشابهی برای منحرف‌کردن تهدید از خوشان به سمت ایران داشته‌اند و در ظاهر موفقیت‌هایی هم کسب کرده‌اند. بعد از ۱۱ سپتامبر، بخش عده‌ای از رهبران سیاسی جهان و یک گرایش در مسئولان نوحافظه‌کار آمریکایی معتقد بودند دلیل ثانوی در منطقه و تروریسم افراطی در جهان، ناتوانی و فساد و خودکامگی برخی نظام‌های عربی - به‌ویژه نظام سعودی - است و برای همین راه‌حل درازمدت، ترویج نوعی دموکراسی مدیریت‌شده در جهان عرب است.

● هدف اصلی طرح، متحدان آمریکا بودند و نه الزاما ایران. در مدت شش سال، یعنی از سال ۲۰۰۱ که حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد، تا سال ۲۰۰۶ که جورج بوش سخنرانی معروفش را در ابوظبی ایراد کرد، در این فاصله، سعودی‌ها و متحدان‌شان توانستند با یک طراحی وسیع سیاسی و لابی گسترده، طرح خاورمیانه بزرگ را از یک طرح ضد خوشان به همین دلیل تبدیل کنند.

البته آمادگی و استعداد آمریکایی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران هم بستر مناسبی برای این فضاسازی سعودی‌ها فراهم کرد. این بار نیز دقیقاً همین تلاش را دارند. چندین‌برابرشدن بودجه چندصدمیلیونی لای سعودی در آمریکا در ماه‌های گذشته به همین دلیل است.

● جمهوری اسلامی در شرایط قدرتمندی قرار گرفته است. در این شرایط قدرتمندی در جهان در حال گذار، امکان تبدیل این قدرت به یک نفوذ و قدرت و اقتدار نهادینه و درازمدت برای جمهوری اسلامی وجود دارد.